

# علم اصول الفقہ

۲۷

۱-۹-۸۹ پیدایش علم اصول

دراسات الاستاذ:  
مهدی الهادی الطهرانی

## علمای اخباری

- اخباری-گری، طیف وسیعی از افراد را در بر می‌گیرد. همه‌ی آنها یک شیوه و یک رویه را نداشتند. در بین اخباری‌های افراطی، سه شخصیت شهرت یافته‌اند:
  - امین استرآبادی (متوفای ۱۰۲۱ یا ۱۰۲۸): وی سر سلسله‌ی مذهب اخبارگری به حساب می‌آید.
  - شیخ عبد الله بحرینی (متوفای ۱۱۳۵ هـ. ق): وی شاگرد شیخ سلیمان بحرینی بود. شیخ سلیمان بحرینی تحت تأثیر امین استرآبادی قرار داشت. از آنجا که آرای امین استرآبادی در مدینه طرح گردید، در بحرین نیز شیوع پیدا کرد. بحرین در آن دوران یکی از مراکز مهم شیعی به حساب می‌آمد و علمای بزرگی را در خود داشت.
  - محمد بن عبد النبی نیشابوری معروف به میرزا محمد اخباری (متوفای ۱۲۰۵ هـ. ق): وی تا بعد از دوران وحید بهبهانی نیز بوده است.

## علمای اخباری

- فاصله‌ی زمانی هر یک از این سه، حدود صد سال است و هر سه، نسبت به علمای گذشته و مجتهدان بسیار تند هستند و تعابیر رکیکی در مورد آنها به کار می‌برند. آنها مجتهدان را، سنی، مخالف اهل بیت علیهم السلام، بدعت گذار، کافر و ملحد خطاب می‌کردند.

## علمای اخباری

- در کنار این اخباری‌های افراطی، اخباریهایی هستند که در عین تقد آرا و اندیشه‌های اصولی‌ها و علمای گذشته با احترام از آنها یاد می‌کنند و اصلاً تعبیر رکیک به کار نمی‌برند. شیخ حر عاملی، مرحوم فیض کاشانی و معتدل-تر از آن دو مرحوم مجلسی دوم و مرحوم صاحب حدائق از جمله‌ی این اخباری‌ها هستند.

## علمای اخباری

- دوره‌ی این افراد دوره‌ی اخباری‌های عالم است. آنها مطالب و آرای خویش را بیان می‌کنند بدون این که از تعابیر تند و رکیک استفاده نمایند: بسیاری از مبانی اصولی را قبول ندارند، عقل و اجماع را - به هر شکلی باشد - حجت نمی‌دانند، در اسناد روایات، آن دقت‌ها را که بعضی قایلند، لازم نمی‌دانند و اجتهاد و تقلید را به شیوه‌ی علمای اصول درست نمی‌شمارند.

## علمای اخباری

- علمای اخباری در اعتقادات خویش نیز شدت و ضعف دارند. در طیف علمای اخباری از علمایی که هر روایتی را معتبر می‌شمارند تا علمای اخباری که فقط روایات کتب اربعه را معتبر می‌دانند، وجود دارد.

## علمای اخباری

- اخباری-گری در دوره-هایی از حیات خود به جایی رسید که مدعیان اخباری-گری نوعاً افراد فاقد توان علمی بودند. حتی در زمان ما هم گاه افرادی که ادعای اخباری-گری می‌کنند، از این دسته‌اند. مسلماً حساب این اخباری‌ها از آنها که در اول مطرح بودند، جدا است.

## موسوعه‌های حدیثی

- اگر چه حمله‌ی شدید بعضی شخصیت‌های اخباری به علمای گذشته، جنگی را در داخل مذهب تشیع و بین علمای شیعه ایجاد کرد و باعث شد دو فرقه‌ی اخباری و اصولی پدیدار گردد و در دوره‌ای علمای اصولی در تقیه به سر برند، اما اخباری گری آثار مثبتی نیز با خود به ارمغان آورد.



## موسوعه‌های حدیثی

- ظهور نسل جدید موسوعات حدیثی که امروز بهره‌ی فراوانی از آنها می‌بریم، در همین دوران یعنی دوره‌ی شکوفایی اندیشه‌ی اخباری بوده است. بعد از نسل کلینی، صدوق و شیخ طوسی (نویسندگان کتب اربعه-ی: کافی، من لایحضره الفقیه، استبصار، تهذیب) که کتاب‌های فقهی بر اساس کتب روایی آنها سامان پیدا کرد و نسل محدثان اول به شمار می‌آیند، ما یک خلأ حدیثی داریم. در طول این قرون کسی اقدام به تدوین موسوعه‌ی جدیدی در مباحث حدیثی نکرده است.

## موسوعه‌های حدیثی

- موسوعه‌های حدیثی مهم این دوران عبارتند از
- «الفصوص المهمه فی اصول الائمة» تألیف شیخ حر عاملی (متوفای ۱۱۰۴ هـ.ق)
- «الاصول الاصلیه» تألیف ملا محسن فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۱ هـ.ق)
- این دو کتاب در بر دارنده‌ی روایات ائمه علیهم السلام در زمینه‌ی علم اصول است.

## موسوعه‌های حدیثی

- «البرهان فی تفسیر القرآن» تألیف سید هاشم بحرانی (متوفای ۱۱۰۷ هـ.ق)
- «تفسیر صافی» تألیف ملا محسن فیض کاشانی
- این دو کتاب، کتاب‌های حدیثی در تفسیر قرآن هستند.

## موسوعه‌های حدیثی

- «الوافی» تألیف ملا محسن فیض کاشانی
- «وسائل الشیعة» تألیف شیخ حر عاملی
- این دو کتاب در جمع روایات کتب اربعه (کتاب-های کلینی، صدوق و شیخ طوسی) هستند.

## موسوعه‌های حدیثی

- «بحار الانوار» تألیف علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هـ.ق.).
- این کتاب اضافه بر روایات کتب اربعه، روایات کتب دیگری را نیز در خود دارد که در اختیار علامه مجلسی بوده است.

## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- شهید صدر معتقد است اگر چه این موسوعه‌های حدیثی درست در زمان گسترش اندیشه‌ی اخباری-گری پیدا شدند، امّا اخباری-گری منشأ پیدایش این موسوعه‌های حدیثی نیست؛ زیرا بعضی از بزرگانی که اقدام به تألیف این کتب کردند، خودشان اخباری نبودند.

## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- دلیل پیدایش این موسوعه-ها آن است که در طول حدود شش قرن که از زمان تدوین موسوعه‌های اولیه می‌گذشت، کتاب‌های فراوان حدیثی کشف شده بود. این کتاب‌های حدیثی پراکنده که از منابع و مراکز مختلف به دست آمده بود، نیازمند جمع‌آوری در مجموعه‌ای بود. این نیاز سبب پیدایش موسوعه‌های جدید گشت.

## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- بنابراین در نظر شهید صدر، نسل جدید موسوعه‌های حدیثی، نتیجه‌ی کشف کتب حدیث در طول شش قرن است؛ کتب حدیثی-ای که در آثار مرحوم کلینی، صدوق و شیخ طوسی مورد توجه قرار نگرفته و لازم بود در مجموعه‌های دیگری جمع آوری شود.



## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- در حالی که واقعاً گسترش اخباری-گری نقش بسیار مهمی در پیدایش آنها داشته است. تمام کسانی که نام بردیم - مرحوم بحرانی، فیض کاشانی، شیخ حر عاملی و مرحوم مجلسی - همگی گرایش اخباری داشتند و در طبقه-بندی فقهی و اصولی به عنوان اخباری یاد می‌شوند. حتی افراط-هایی از برخی از این علما نقل می‌شود که نشانگر اخباری-گری آنها است. البته باید در نقل این داستان‌ها احتیاط کرد؛ زیرا میزان دقیق بودن آنها معلوم نیست.

## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- در مورد شیخ حر عاملی نقل می‌کنند: در زمانی که وی قاضی القضاة مشهد بود، در طرح یک دعوای قضایی، شاهی که یک طلبه بود برای شهادت حاضر شد. وقتی به شیخ گفتند او زبده الاصول شیخ بهایی را می‌خواند، شهادت او را رد کرد. شیخ، خواندن زبده الاصول را به عنوان فسق و مانع از قبول شهادت آن شاهد تلقی نمود. یا نقل شده است شیخ نسبت به زبده الاصول شیخ بهایی حساسیت داشت و نسبت به آن برخورد حادّی می‌کرد.

## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- اما چقدر این نقل‌ها صحیح است، نمی‌دانیم. زیرا همین شیخ حر عاملی وقتی در کتاب امل الآمل، شرح حال مرحوم سید حسین خوانساری - پدر مرحوم آقا جمال خوانساری - صاحب مشارق الشموس فی شرح الدروس را که معاصر شیخ هم هست، بیان می‌کند، بسیار با تجلیل و احترام از او یاد می‌نماید و می‌گوید: انه فاضل، عالم، حکیم، متکلم، محقق، ثقه، جلیل القدر، عظیم الشان، علامة العلماء، فرید العصر و در آخر او را از معاصران خویش می‌شمارد و برای او به طول عمر و توفیقات دعا می‌کند.

## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- سید حسین خوانساری یک اصولی، فیلسوف و حکیم است و در ادامه‌ی حیات علم اصول، نقش مهمی ایفا می‌کند، با این حال شیخ حر که اخباری است از او با تجلیل یاد می‌کند. دیدگاه شیخ حر عاملی و برخورد او با علمای هم عصر خود با وجود اختلاف سلیقه‌ی شدید در دیدگاه‌های علمی، درس بزرگی برای تمامی نسل‌های بعد از خودش است. این برخورد در حالی است که خودش یک شخصیت مهم به حساب می‌آید، از جبل عامل به ایران آمده و موقعیت ممتازی در ایران دارد.

## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- با این وصف آنچه از شیخ حر در مورد تندی او نقل می‌شود در قبال آنچه در کتاب‌های شیخ مبنی بر ادب شیخ وجود دارد، تردید و شک را بر می‌انگیزد. ولی مسلماً دیدگاه شیخ، دیدگاه اخباری بوده است.

## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- در اینجا جا دارد بگوییم: کتاب‌های شیخ که از نو اخباری‌های این دوره به حساب می‌آید، برکت خاصی داشته است. شاید اخلاص خاص او، این برکت را ایجاد نموده باشد. وسائل الشیعة، کتابی است که هیچ فقیهی از آن بی‌نیاز نیست. وافی فیض کاشانی با این که مشابه کتاب وسایل است و هر دو بزرگوار - شیخ حر و مرحوم فیض - در صدد انجام یک کار بودند، چندان رونقی نیافت. حتی دوره‌هایی بزرگان فقیه ما بر وافی اصرار داشتند، اما با این حال وافی گسترش نیافت.

## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- علی رغم دقت زیاد مرحوم فیض کاشانی که بیش از دقت شیخ حر عاملی است، حُسن تبویب و سائل موجب گشت کتاب و سائل مورد توجه قرار گیرد و جایگاه خاصی یابد. دقت‌های روایی شیخ حر عاملی به خصوص در درایة الحدیث با دقت‌های مرحوم فیض قابل مقایسه نیست. مرحوم فیض بسیار دقیق‌تر است.

## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- حتی کتاب کوچک امل الآمل که مورد نقد بسیاری از تذکره نویسان است، توجه علما را به خود معطوف داشته و چندین کتاب به عنوان تکمله‌ی آن به رشته‌ی تحریر در آمده است.



## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- مرحوم فیض کاشانی نیز خود اخباری می‌باشد. و عجیب است که فیض بین دو چیز جمع کرده که هضم آن مشکل به نظر می‌رسد. فیض بین شاگردی صدر المتألهین و بین اخباری-گری جمع کرده است. جمع این دو سلیقه خیلی عجیب است. از یک سو با فلسفه در آن حد ارتباط و آشنایی یابد و از سوی دیگر اینچنین اخباری باشد.

## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- چه یکی از کسانی که قایل به نظریه‌ی تحریف قرآن می‌باشد، مرحوم فیض کاشانی است. وی در مقدمه‌ی تفسیر صافی به استناد یک سری روایات که از لحاظ سند و دلالت جای بحث جدی دارند، نظریه‌ی تحریف قرآن را می‌پذیرد. پذیرش این نظریه از جانب فیض موجب می‌گردد علمای بزرگ اخباری دیگر، همین رأی را بپذیرند و باعث بروز مشکلاتی در جهان تشیع گردند.

## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- با آنچه بیان شد، روشن می‌گردد این فرمایش شهید صدر که اقطاب این گروه یعنی بزرگان صاحب موسوعات حدیثی، خودشان اخباری نبودند، ظاهراً فرمایشی درست نیست. از سوی دیگر این فرمایش نیز که کشف کتب حدیثی منشأ تألیف موسوعات حدیثی گردید، در مورد برخی موسوعات حدیثی مثل بحار الانوار درست است اما در مورد همه‌ی آنها صادق نیست.

## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- مرحوم مجلسی کتاب‌های متعددی در اختیار داشت. برای حفظ این مطالب از یک سو و دسته‌بندی آنها از سوی دیگر، اقدام به تدوین موسوعه‌ی بحار الانوار نمود که شاید هنوز هم از بزرگترین موسوعه‌های حدیثی می‌باشد. مرحوم مجلسی این کار را با توجه به توانایی‌های حکومتی که داشت، انجام داد. او به تنهایی قادر به تدوین این کتاب نبود. مجموعه‌ای با هزینه‌ی گزافِ حکومت وقت و البته با همت، قدرت، نفوذ و نظارت مرحوم مجلسی، به خلق این موسوعه پرداختند.

## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- بنابراین بحار الانوار در پی کشف کتب حدیثی به وجود آمد اما در مورد وافی یا وسائل الشیعة مطلب چنین نیست. تقریباً عمده روایات وسائل و وافی را، روایات کتب اربعه تشکیل می‌دهد. درست است مرحوم شیخ حر از کتاب‌های دیگری هم مثل کتاب مسائل علی بن جعفر و کتاب تفسیر علی بن ابراهیم بن هاشمی قمی نیز استفاده کرده ولی این موارد در مقایسه با روایاتی که از کتب اربعه ذکر نموده، خیلی اندک است. شاید یک بیستم روایات وسائل هم از غیر کتب اربعه نباشد.

## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- عمده هدف صاحب وسائل و مرحوم فیض کاشانی در کتاب-هایشان موسوم به وسائل الشیعه و وافی، این بود که مطالب کتب اربعه را که در آن کتب به صورت پراکنده و با ترتیب‌های مختلفی بر اساس سبک‌های نویسندگانشان گرد آمده بود، در قالب یک تبویب عرضه کنند.

## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- موفقیت مرحوم فیض در این تبویب کمتر از شیخ حر بود. شیخ حر ترتیب وسائل را بر اساس شرائع محقق حلی قرار داد. شیخ حر چون می دانست شرائع محقق حلی که از شخصیت های اصولی هم به حساب می آمد، مورد توجه فقها و مآنوس آنها است، ترتیب کتاب خویش را بر همان اساس قرار داد. همین کار شیخ حر سبب تسهیل مراجعه ی فقها به وسائل شد.

## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- کار دیگری که شیخ حر در وسائل انجام داد، انتخاب فتوای خویش در عنوان هر باب است. عناوین باب‌های وسائل در واقع فتاوی شیخ حر عاملی است. وی در هر بابی ابتدا فتوای خود را ذکر می‌کند، بعد دلیل فتاوی خود را که همان روایات هستند، در ذیل می‌آورد. در نقل روایات نیز، قوی‌ترین روایات را به لحاظ سند و دلالت در اول قرار می‌دهد و بعد از آن، به ترتیب روایات دیگر را که از حیث سند و دلالت ضعیف‌ترند، ذکر می‌کند.



## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- البته ممکن است آنچه شیخ حر قوی می‌داند در نزد دیگران ضعیف یا مردود باشد؛ زیرا مبانی شیخ حر که یک اخباری است در پذیرش حدیث با دیگران متفاوت است.

## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- محور قرار دادن شرائع و انتخاب عناوین به آن شکل و ترتیب روایات به آن نحو، موجب شد وسائل محور بحث‌ها قرار گیرد و بعدها شاهد موسوعات فقهی مثل موسوعه‌ی بسیار بزرگ جواهر، با محوریت شرائع باشیم.

## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- در هر حال علت اصلی پیدایش موسوعات حدیثی در این دوران، گرایش اخباری-گری است. اخباری‌ها قصد ترویج اخباری-گری و منقح کردن منابع را داشتند. در تمامی وسائل که در واقع کل استدلال‌های شیخ را شامل می‌شود، نشانی از تمسک به عقل و اجماع وجود ندارد. آنچه در آنجا به عنوان دلیل هست، فقط روایت است که همان گرایش اخباری است.

## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- موسوعات جدید حدیثی از ثمرات مفید و مبارک گرایش اخباری و توسط علمای بزرگ اخباری با دیدگاه‌های معتدل بود.
- شیخ حر عاملی از شیخ طوسی با این که بنیانگذار مکتب اصولی جدید شیعه است، به عنوان یک شخصیت محترم یاد می‌کند. در حالی که اخباری‌های دیگر چون امین استرآبادی با این شخصیت خیلی تند برخورد کردند.

## دیدگاه شهید صدر در مورد موسوعات و نقد آن

- .. ر.ک: سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، صص ۸۲ - ۸۳.
- . ر.ک: سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۱۶۸؛ الحر العاملی، أمل الآمل.
- . لازم به ذکر است حشویه‌ی اهل سنت نیز نظریه‌ی تحریف قرآن را پذیرفتند و روایاتی که در بین شیعه بر تحریف وارد شده هم به لحاظ کمی - تعداد - و هم به لحاظ کیفی - قوت سند - بسیار کمتر از روایات وارده در نزد اهل سنت است. پس بر خلاف ادعای اهل سنت که شیعه را صاحب نظریه‌ی تحریف می‌دانند، گروهی از اهل سنت نیز این نظریه را پذیرفته‌اند. ر.ک: مهدی هادوی تهرانی، مبانی کلامی اجتهاد، بحث «تحریف قرآن».
- . همان طور که در شرح محقق حلی نیز ذکر کردیم با ظهور شرائع، تهذیب شیخ طوسی که تا آن زمان جزو دروس حوزوی بود، از دایره‌ی درسی خارج گشت و همه به شرائع اعتنای بیشتری داشتند.
- . شیخ حر کتاب وسائل الشیعة را در مشهد مقدس تدریس می‌کرد و شاگردان فراوانی پای درس او بودند.

## اصول‌ها در بحران اخباری-گری

- در حدود نزدیک دو قرن حمله‌های شدید به علمای اصولی شیعه مثل شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و به ویژه علامه حلی، به مرور علمای اصولی را در این دوران به زاویه‌ها و حاشیه‌ها کشانید. برخی اخباری‌ها، اصولی‌ها را تا مرز کفر پیش بردند و آنها را بدعت-گذار و کافر قلمداد کردند و بعضی آنها را سنی و مروج اهل سنت شمردند.

## اصولی‌ها در بحران اخباری-گری

- در این دوران که دوران ترک-تازی اخباری-گری است، علمای اصولی دیگر چندان میدان نداشتند. اخباری‌ها میدان-دار این دوران بودند و برخی در دربار هم نفوذ داشتند، از جمله‌ی آنها می‌توان مرحوم مجلسی که شخصیت با نفوذ دوران صفوی است و مرحوم حر عاملی که از طرف حکومت، قاضی القضاة منطقه‌ی خراسان است، بر شمرد.

## اصولی‌ها در بحران اخباری-گری

- می‌گویند: شاه وقت، مجلسی ترتیب داده بود. شیخ محمد بن حسین حر عاملی که از لبنان به اصفهان آمده بود، وارد مجلس شاه شد و بدون اجازه در کنار او با فاصله‌ی یک متکا نشست. شاه از اطرافیان در مورد این شخص که گستاخانه در کنار او جای گرفته، سؤال کرد. به شاه پاسخ دادند که عالم عربی به نام شیخ حر است. شاه از شیخ پرسید: فرق حر با خر چقدر است؟ شیخ بلافاصله جواب داد: یک متکا. شاه از این حاضر جوابی شیخ نسبت به خودش که دیگران حتی جرأت کلمه‌ای صحبت با او را به خود نمی‌دادند، تعجب کرد و همین امر باعث شد او را قاضی القضاة و شیخ الاسلام مشهد مقدس و ناحیه‌ی خراسان کند. شیخ بیست و چند سال آخر عمر خود را در مشهد رضوی علیه السلام سپری نمود و قبر وی در جوار مرقد همان امام همام قرار دارد. این داستان بیانگر شخصیت عجیب این عالم بزرگ می‌باشد و شاید همین روحیات آزاد منشی، وی را به شیخ حر معروف کرده است.



## اصول‌ها در بحران اخباری-گری

- تا زمان مرحوم حاج آقا حسین خوانساری (متوفای ۱۰۹۷ یا ۱۰۹۸ هـ. ق) وضع اصولی‌ها چندان بد نبود، اما بعد از مرحوم حاج آقا حسین، یعنی اواخر قرن یازدهم، اصولی‌ها به حاشیه رفتند و کم کم در تقیه به سر می‌بردند.

## اصولی‌ها در بحران اخباری-گری

- کتاب‌های اصولی به عنوان کتاب‌های ضاله و نجس تلقی می‌شد و معروف است اخباری‌ها با انبر یا دستمال این کتب را در دست می‌گرفتند. در این دوران اخباری-گری در ایران، عراق و بحرین گسترش یافته بود و حوزه‌های شیعه را تحت تأثیر خود داشت. این میدان-داری تا زمان وحید بهبهانی همچنان ادامه داشت.

## اصولی‌ها در بحران اخباری-گری

- در عرض کار اخباری‌ها در این دوران، اصولی‌هایی بودند که دست به تألیفات و تحقیقات اصولی زدند و حتی برخی توانستند نفوذی در حکومت پیدا کنند. برخی اصولی‌های این دوران عبارتند از:
- سلطان العلمای اصفهانی (متوفای ۱۰۶۴ هـ. ق) که بر زبدة الاصول شیخ بهایی (متوفای ۱۰۳۱ هـ. ق) حاشیه زده است
- ملا عبد الله فاضل تونی (متوفای ۱۰۷۱) مؤلف کتاب اصولی مهم **وافیه** که شیخ انصاری زیاد به این کتاب ارجاع می‌دهد
- ملا صالح مازندرانی (متوفای سال ۱۰۸۰ هـ. ق) که شرحی بر معالم الاصول و زبدة الاصول دارد
- مرحوم محقق شیروانی (متوفای ۱۰۹۷ هـ. ق) که او نیز شرحی بر معالم الاصول نوشته است.

## اصول‌ها در بحران اخباری-گری

- معاصر محقق شیروانی استاد او مرحوم حاج آقا حسین خوانساری (متوفای ۱۰۹۸ یا ۱۰۹۹ هـ.ق) است که اگر چه کتاب اصولی مستقل نوشت ولی در حفظ علم اصول و گسترش آن کمک مهمی انجام داد.

## اصول‌ها در بحران اخباری-گری

- وی در مهم-ترین کتاب فقهی خویش یعنی «مشارق الشموس فی شرح الدروس» که شرح کتاب دروس شهید اول است، مفصلاً به بحث‌های اصولی پرداخته است.

## اصولی‌ها در بحران اخباری-گری

- شیخ انصاری در بحث استصحاب رسائل آن قدر به کتاب مشارق الشموس ارجاع می‌دهد که اگر کسی مشارق را ندیده باشد، فکر می‌کند این کتاب، کتاب اصولی است. حاج آقا حسین خوانساری در جایی از کتاب خویش به مناسبت بحث استصحاب را خیلی دقیق مطرح و مبانی آن را شرح می‌کند.

## اصول‌ها در بحران اخباری-گری

- بحث وی در استصحاب، باب تازه و دیدگاه جدیدی به این بحث می‌بخشد که تا قبل از او در آثار سید مرتضی و علمای دیگر تا زمان فاضل تونی (یعنی حدود ۶۰۰ سال) وجود ندارد. همین دیدگاه تازه زمینه‌ای گشت برای بحث‌هایی که شیخ انصاری بعدها به آنها پرداخت.

## اصولی‌ها در بحران اخباری-گری

- شیخ انصاری هم در ادله‌ی استصحاب و هم در نتایج استصحاب تحت تأثیر دیدگاه‌های حاج آقا حسین قرار داشت. حاج آقا حسین از کسانی بود که بحث اخبار و روایات را در استصحاب مطرح کرد. تا آن زمان این بحث در کنار برائت اصلیه جزو بحث‌های عقلی شمرده می‌شد. با بحث حاج آقا حسین جریان تغییر کرد و امروزه روایت از مهمترین دلایل استصحاب شمرده می‌شود و بحث عقلی به عنوان دلیل برای آن بحث چندان مورد اعتنا نیست.



## اصولی‌ها در بحران اخباری-گری

- از ویژگی‌های این شخصیت، آشنایی و تسلط بر مباحث فلسفی است. فیلسوف بودن او سبب می‌شود، رنگ عقلی را در بحث‌های اصولی تقویت کند. وی در دوران رشد سریع اخباری-گری و ظهور و بروز شخصیت‌های مهم اخباری، به اصفهان، مرکز حکومت صفوی، آمد. در آنجا حوزه‌ی درس مهمی تشکیل داد و مشغول تدریس فقه شد.

## اصول‌ها در بحران اخباری-گری

- از کارهای عجیب این شخصیت در همین موقع پرداختن به مباحث اصولی با صبغی فلسفی است؛ اما نه این که بحث فلسفی داشته باشد، بلکه بحث‌های عقلی را با دقت بیشتری در اصول مطرح کرده است که زمینه‌ای برای تقویت اصول در دوره‌های بعد گردید.

## اصول‌ها در بحران اخباری-گری

- حاج آقا حسین خوانساری شخصیت پیچیده‌ای است. وی شاگرد مرحوم میرفندرسکی، از اساتید صدر المتألهین بود؛ اما از دیگر اساتید صدر المتألهین مثل میرداماد بهره نبرد.

## اصول‌ها در بحران اخباری-گری

- میرفندرسکی جزو فلاسفه‌ی نو افلاطونی محسوب می‌شود و نگرش‌های افلاطونی دارد. مرحوم حاج آقا حسین پیش میرفندرسکی شاگردی کرد و گرایش به فلسفه داشت و کتاب‌هایی هم در آن زمینه نوشت. اما ظاهراً بعدها علیه فلسفه قیام کرد. صاحب حدائق خیلی از وی با تجلیل یاد می‌کند و می‌گوید: او رونق بازار فلسفه را از بین برد و همه‌ی کاسه کوزه‌های فلاسفه را شکست.

## اصولی‌ها در بحران اخباری-گری

- شهید صدر معتقد است مرحوم حاج آقا حسین خوانساری چون با فلسفه آشنا بود و ذهن فلسفی داشت، به بحث‌های اصولی رنگ عقلی داد. و چون با فلسفه مخالف بود و نگرشی موافق با دیدگاه‌های متعارف فلسفه نداشت، نگرش مستقل فلسفی را در اصول ایجاد کرد که با فلسفه‌ی متعارف و جریان متعارف فلسفی منطبق نبود.

## اصول‌ها در بحران اخباری-گری

- در نظر شهید صدر، حاج آقا حسین توانایی-ای را در اصول ایجاد کرد که اصول رنگ فلسفی بگیرد ولی در عین حال تحت تأثیر فلسفه‌ی متعارف نباشد - جمع دو عامل: ا. نگاه فلسفی، ب. عدم تأثیر پذیری از فلسفه-ی حاکم - . ورود این توانایی که بعدها در دوران وحید و بعد از او شکوفا شد، نقطه قوتی برای مرحوم خوانساری به حساب می‌آمد که باعث شد اصول با قدرت بیشتری به صحنه بیاید.

## اصول‌ها در بحران اخباری-گری

- ولی باید با احتیاط به این نقطه‌ی قوت ادعا شده نگاه کرد. زیرا اصولی‌های ما به خصوص اصولی‌های متأخر، به دلیل عدم آشنایی دقیق عموم اصولی‌ها (اگر چه بعضی این طور نبودند) با مباحث فلسفی و به دلیل وجود این احساس که می‌توان مباحث اصول را مستقل از بحث‌های فلسفی مطرح نمود، در بعضی حوزه‌های اصولی، مباحثی را مطرح کردند که جایگاه آنها فلسفه بود و به دلیل این که کاملاً با فلسفه آشنایی نداشتند و صورت مسأله بر ایشان واضح نبود، حرف‌های نادرستی زدند و بحث‌هایی را طرح کردند که اتقان کافی را ندارد.

## اصول‌ها در بحران اخباری-گری

- بعدها در بحث‌های اصولی به این نکته اشاره می‌کنیم و در آنجا مستندات این قضاوت را بیان می‌نماییم.



## اصولی‌ها در بحران اخباری-گری

- خاندان خوانساری اصول را ادامه دادند. مرحوم آقا جمال خوانساری، پسر وی، تألیفی در اصول دارد. وی در شرایطی که اصولی‌ها متهم به سنی-گری هستند و با این که معالم صاحب معالم و زبده‌ی شیخ بهایی هست، شرح مختصر عضدی سنی را تعلیقه می‌زند و این از کارهای عجیب این شخصیت است که شاید با این کار می‌خواهد بگوید ما سنی نیستیم اما از آثار سنی‌ها استفاده می‌کنیم.

## اصولی‌ها در بحران اخباری-گری

- بعد از مرحوم آقا حسین خوانساری، تقریباً تألیفات اصولی به شکل حاشیه-هایی بر اصول ادامه یافت و کم کم اصولی‌ها در تقیه و خفا به سر می‌بردند. حتی افرادی در این دوران بودند که بین اصولی-گری و اخباری-گری مذذب بودند. از جمله‌ی آنها سید صدر الدین همدانی است. وی شرحی بر وافیه‌ی ملا عبداللّه تونی دارد. نیمه‌ی اول این کتاب بر مشی اصولی و نیمه‌ی دومش بر مشی اخباری است، به عبارت دیگر، صدر و ذیل کتاب با هم تناقض دارد.

## اصولی‌ها در بحران اخباری-گری

- وقتی از وحید بهبهانی که مدتی شاگرد او است، علت این امر را جویا می‌شوند، وحید می‌گوید: نیمه‌ی اول کتاب در زمانی نگارش یافته که من شاگرد سید صدر بودم، من دیدگاه‌های اخباری را نقد می‌کردم از این روی استاد از دیدگاه‌های اصولی حمایت می‌کرد. در نیمه‌ی دوم کتاب، من ارتباط خود را با او قطع کردم و در جلسه‌ی درس حاضر نشدم، از این روی استاد دوباره به دام اخباری-گری افتاد.

## اصولی‌ها در بحران اخباری-گری

- این داستان نشان می‌دهد فشار جو طوری بوده که وقتی کسی مثل وحید که شاگرد بوده است، از درس کناره‌گیری می‌کند، استاد که خود یک شخصیت علمی است و شیخ انصاری زیاد به آرای او ارجاع می‌دهد، به گرایش اخباری میل می‌نماید.
- از سوی دیگر بیانگر این حقیقت است که داشتن تألیفات اصولی به تنهایی معلوم نمی‌کند که آن فرد، اصولی است. باید ملاحظه نمود که در مباحث اصولی چه نتایجی گرفته و چه نگرشی داشته است و سید صدر از این دسته است.

# اصولی‌ها در بحران اخباری-گری

- ر.ک: ابو علی، منتهی المقال، ترجمه‌ی وحید بهبهانی؛ علی دوانی، وحید بهبهانی، ص ۱۲۲.
- ر.ک: ابو علی، منتهی المقال، ترجمه‌ی وحید بهبهانی؛ وحید بهبهانی، ص ۱۲۲.
- روضات الجنات ۱۰۹۹ و سید شهید صدر ۱۰۹۸ را به عنوان سال فوت ذکر کرده‌اند.
- ر.ک: محمد باقر خوانساری، روضات الجنات، ترجمه سید حسین خوانساری؛ سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، صص ۸۳ - ۸۴.
- نکته‌ای که دال بر شاگردی حاج آقا حسین نزد صدر المتألهین (متوفای ۱۰۵۰ هـ ق یعنی ۴۸ یا ۴۹ سال قبل از فوت مرحوم خوانساری) نیست. آثار فلسفی حاج آقا حسین در کنگره‌ای که در ایران برای وی و دو پسرش برگزار شد، مورد توجه قرار گرفت.
- ر.ک: سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، ص ۸۴.
- ر.ک: سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۱۴۹.
- ر.ک: همان، ص ۱۵۰.
- ر.ک: سید حسین خوانساری، مشارق الشموس، ص ۳ (ترجمه‌ی شارح).
- این دوران، دوران عجیبی است. صدر المتألهین در آن دوران تا نزدیک اعدام پیش می‌رود. عده‌ای با اثبات این که او ملحد است و باید کشته شود، قصد گرفتن حکم اعدام او را دارند. اگر حمایت‌هایی میرداماد که نفوذ عجیبی در دربار شاه صفوی داشت و حمایت‌های شیخ بهایی و میر فندرسکی نبود، صدرا به احتمال زیاد کشته می‌شد. در همان شرایط که صدرا تا نزدیک دار می‌رود، این سه بزرگوار لقب صدر المتألهین را از شاه برای او می‌گیرند و او را از مرگ حتمی نجات می‌دهند. این سه نفر که استاد صدرا هم هستند به وی خیلی علاقه دارند. علاقه‌ی آنها از مطالبی که بین آنها رد و بدل می‌شود، پیدا است. صدر المتألهین مطالبی را بیان نموده بود که آنها جرات نقلش را نداشتند. در هر حال صدر المتألهین با خانواده‌اش از اصفهان فرار می‌کند و از طریق بیابان به کهنک می‌رسد. استقبال مردم کهنک از او، وی را در کهنک نگه می‌دارد. وی مدت پانزده سال در کهنک در انزوا به سر می‌برد. خانه‌ی او در کهنک همچنان باقی است. این خانه در حاشیه‌ی کنگره‌ی صدرا بازسازی شد و در نزدیکی آن مسجد کوچکی قرار دارد که به مسجد صدرا معروف است. کتاب‌های صدرا نوعاً مربوط به بعد از دوران انزوی او در کهنک است. بعد از این که به تعبیر خودش مشغول ریاضات و عبادات و توجه می‌شود، درهای علم بر او باز می‌گردد. کتاب‌های صدرا قبل از این دوران با کتاب‌های او بعد از این دوره، به لحاظ سطح علمی با هم تفاوت دارد.
- حاج آقا حسین خوانساری در دورانی که تلاطمی در فرهنگ تشیع دوران صفوی وجود دارد و فیلسوفان بزرگی چون شیخ بهایی، میر داماد و میرفندرسکی و از همه بالاتر صدر المتألهین که شخصیتی فراتر از یک فیلسوف است و بنیانگذار یک مکتب فلسفی قلمداد می‌شود، ظهور دارند، فلسفه را از استاد خویش میرفندرسکی می‌آموزد و در عین حال با فلسفه به مخالفت بر می‌خیزد.
- ر.ک: سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، ص ۸۴.
- بعد از مرحوم آخوند، اصول خیلی صیغه‌ی فلسفی پیدا کرد؛ چون آخوند یک دوره نزد مرحوم سبزواری شاگردی کرده است.
- شیخ انصاری بعضی ابتکارات اصولی را به همین شخصیت نسبت می‌دهد (ر.ک: شیخ انصاری، فوائد الاصول، ج ۱، ص ۳۸۷؛ سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، ص ۸۴).
- وی در اصل قمی است که به همدانی معروف است.
- ظاهراً شهید صدر به این مطلب توجه ندارد که سید صدر یک اصولی کامل نیست. در مورد سید صدر ر.ک: سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، ص ۸۴؛ علی دوانی، وحید بهبهانی، ص ۱۵۱.